



The Position of Imamate of Friday Prayer (Ṣalāt al-Jumu‘ah) in the Jurisprudence of Islamic Jurisprudential Schools

Asadollah Rezaei¹ ✓

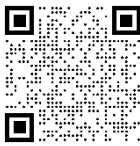
1. Corresponding Author, Level 4 Seminary Student, Jurisprudence and Islamic Teachings, Qom, Iran; PhD in Comparative Studies of Jurisprudential Schools, University of Religions and Denominations, Researcher Colleague at the International Mustafa Research Center, Qom, Iran. Email: arizaiy@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 24 September 2025
Accepted: 23 November 2025
Available online 1 December 2025

Keywords:
Friday, Friday Prayer (Ṣalāt al-Jumu‘ah), Position, Imamiyah, Schools of Thought (Madhāhib), Jurisprudential Schools, Sunnis (Ahl al-Sunnah).



ABSTRACT

After the grand annual Congress of Hajj, Friday Prayer (Ṣalāt al-Jumu‘ah) is the most magnificent weekly religious-political gathering that places Muslims, on the most virtuous day of the week, at the same time and in a single row, in worship of the One and Unique God. The Imamate of the Friday Prayer and the sermons delivered therein are among the most important pillars of this collective worship, and all schools of thought emphasize the significance and central role of the Friday Prayer leader (Imām al-Jumu‘ah). However, there is no consensus among the jurisprudential schools on whether the position of the Friday Prayer Imamate is considered an official position that acquires legitimacy through the presence of the ruler (Ḥākim) or his representative, or not. The findings of the present research, with a comparative approach based on a library method and data analysis, indicate that although Imami jurists are divided into two groups – those who "deny" and those who "affirm" the positional nature of the Friday Prayer Imamate during the era of occultation (ʿAṣr al-Ghaybah) – nevertheless, considering the qualification (Taḳyīd) of the absolute nature (Iṭlāq) of the narrations of the chapter on the legitimacy of Friday Prayer, the positional nature of the Friday Prayer Imamate has been accepted by contemporary jurists. However, in Sunni jurisprudence, only the Hanafis emphasize the positional nature of the Friday Prayer Imamate and do not consider a prayer valid without the presence of the ruler (even if unjust, Jā‘ir), or his deputy, or without his permission. Although the other jurisprudential schools do not deny the recommendation (Istihbāb) of the presence or permission of the ruler, they do not consider it a position.

Cite this article: Rezaei, A. (2025). The Position of Imamate of Friday Prayer (Ṣalāt al-Jumu‘ah) in the Jurisprudence of Islamic Jurisprudential Schools. *Jurisprudence of worship Doctrines*, 6(10), 89-110. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.2160>



© The Author(s)

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences



منصب امامت جمعه در فقه مذاهب فقهی

اسدالله رضایی^۱

۱. نویسنده مسئول، سطح ۴ حوزه علمی، رشته فقه و معارف اسلامی. قم، ایران؛ دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص). قم، ایران. رایانامه:

arizaiy@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	
تاریخ دریافت: ۰۷/۰۲/۱۴۰۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰	
کلیدواژه‌ها: جمعه، نماز جمعه، منصب، امامیه، مذاهب، مذاهب فقهی، اهل سنت.	
	

استناد: رضایی، اسدالله. (۱۴۰۴). منصب امامت جمعه در فقه مذاهب فقهی. آموزه‌های فقه عبادی، ۶(۱۰)، ۸۹-۱۱۰.

<https://doi.org/10.30513/jwd.2025.2160>



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مقدمه

یکی از محوری‌ترین ستون‌های نماز جمعه، امام جمعه است. تمامی مذاهب اسلامی، به دلیل این‌که اقامه نماز جمعه بدون جماعت صحیح نیست، جایگاه امامت آن را مهم ارزیابی کرده و همواره برای آن ارزش اجتماعی و معنوی قائل بوده‌اند.

از نظر تاریخی، با توجه به این‌که اهل سنت همواره حکومت در اختیار داشته‌اند، امامت نماز جمعه را منصب حکومتی شمرده و این جایگاه را از آن پیامبر خدا ﷺ و جانشینان او و امیران و حاکمان اسلامی می‌دانند. همچنین، توده مردم نیز حضور در نماز جمعه را وظیفه دینی و سنت خویش می‌دانستند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ص ۴۸-۴۹).

در مقابل، شیعیان از یک سو امامت جمعه را منصب می‌دانند و از سوی دیگر، چون حکومت در اختیار نداشته‌اند، رابطه عقیدتی و دینی میان مردم و حکومت برقرار نبوده است؛ از این رو، هرگاه شیعیان حکومت داشته‌اند، توده مردم همواره در نماز جمعه شرکت نمی‌کردند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

در شرایط کنونی، میان مذاهب اسلامی نسبت به ضرورت حضور حاکم یا نماینده او یا اذن او در نماز جمعه، هماهنگی وجود ندارد. با این حال، همه اتفاق نظر دارند که امام جمعه در شرایط عادی باید فردی پرهیزگار، عادل، عالم و آشنا به مسائل روز اسلام باشد. برخی گرایش‌های فقهی، در شرایط غیرعادی، امامت فرد فاسق یا غیرعادل را نیز تجویز می‌کنند.

هرچند در پیشینه این تحقیق، مقالاتی همچون «شرایط امامت جمعه از نگاه مذاهب اسلامی» (مصطفی جعفرپیشه، طلوع، شماره ۱۰ و ۱۱، ۱۳۸۳)، «امامت جمعه با منصب حکومتی» (سید جواد ورعی، شماره ۳۴، ۱۳۷۹) و «منصب امامت جمعه و مذاهب اسلامی» (مصطفی جعفرپیشه، بهمن ۱۳۹۳) موجود است، اما پژوهش پیش رو در چند جنبه برجسته‌تر است: بررسی موضع فقهای قدیم و معاصر امامیه نسبت به منصب بودن امامت جمعه در عصرهای حضور و غیبت؛ تحلیل دیدگاه‌های

مذاهب پنجگانه نسبت به منصب امامت جمعه به صورت مستند و مستدل؛ و توجه به جزئیات دقیق تروظایف امام جمعه. این ویژگی‌ها از امتیازات این تحقیق محسوب می‌شوند.

۱. موقعیت امام جمعه از دیدگاه امامیه

با توجه به روایات رسیده (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۱۱)، فقهای امامیه در عصر غیبت را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروهی امامت جمعه را منصب می‌دانند و گروه دیگر، منصب بودن آن را برای غیر امام معصوم منکر می‌شوند و آن را از خصایص امام معصوم می‌شمارند. واژه منصب از ریشه «نصب» به معنای برپا داشتن و عمود کردن چیزی گرفته شده است (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۹۵۵) و در آن، مفهوم رفعت و علو نیز نهفته است (فیومی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۶۰۷).

بر اساس نظر گروه نخست، اگرچه امامت جمعه در دوران حکومت صفویان به عنوان منصب رسمی و حکومتی مرسوم شد (طهرانی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۲۸)، اما پیش‌زمینه‌های آن، همانند تعیین مُصعب بن عمیر در تاریخ اسلام، وجود داشته است (صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۵).

۱-۱. منصب بودن امامت جمعه

طرفداران این دیدگاه، با اینکه منصب بودن امامت جمعه را پذیرفته‌اند، اما از زوایای مختلف، به سه قرائت متفاوت منتهی شده است.

۱-۱-۱. امامت جمعه منصب خاص معصوم علیه السلام

بر اساس نظر سید مرتضی، جمله او: «ولا جُمَعَةَ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ أَوْ مَن يَنْصَبُهُ الْإِمَامُ الْعَادِلُ» (۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۷۲) نشان می‌دهد که در نزد امامیه، امامت جمعه منحصر به معصوم است. ابی‌عیلی حمزه بن عبدالعزیز مشهور به سلار نیز با توجه به عبارت: «صَلَاةُ الْجُمُعَةِ فَرَضٌ مَعَ حُضُورِ إِمَامٍ الْأَصْلِ أَوْ مَن يَقُومُ مَقَامَهُ» (۱۴۰۴، ص ۷۷) این دیدگاه را تأیید می‌کند.

ابن‌ادریس حلی با استناد به عبارت: «إِنَّ ذَلِكَ [جمعه] لَا يَجُوزُ فِي حَالِ الْإِسْتِثَارِ

الإمام» (۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۶) و علامه حلی با تقویت دیدگاه سلا روا بن ادریس، آن را «قوی» می‌داند (۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۴۳). همچنین فاضل آبی ضمن تأیید منع اقامه جمعه در عصر غیبت (۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۷۷) و طباطبایی با تفسیر عبارت «السُّلطان العادل» به معصوم علیه السلام (۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۱۶) و منع اذن عام برای فقیه جامع‌الشروط جهت اقامه نماز جمعه (۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۵۹)، این منصب را خاص معصوم می‌شمارند. دیدگاه مشابهی نزد نراقی (۱۴۲۹، ج ۶، ص ۵۹) و بروجردی (منتظری، ۱۴۱۶، ص ۶۹) نیز مشاهده می‌شود.

ویژگی مهم این قرائت، فتوا بر عدم جواز اقامه جمعه در زمان غیبت به جای نماز ظهر است، مگر به صورت احتیاط و همراه با ظهر (نراقی، ۱۴۲۹، ج ۶، ص ۶۹؛ منتظری، ۱۴۱۶، ص ۶۹-۷۰). بر این اساس، امامت جمعه منصب خاص معصوم است و در زمان غیبت، جایگزینی نماز جمعه به جای نماز ظهر را جائز نمی‌دانند.

۱-۲. امامت جمعه، منصب عام معصوم در عصر حضور و فقیه در عصر

غیبت

گروه دوم، در عین تجویز نماز جمعه در عصر غیبت، امامت آن را از اختصاصات معصوم علیه السلام نمی‌شمارند، بلکه معتقدند امامت جمعه از مناصب مربوط به امامت است؛ خواه امامت بالإصالة و معصوم (در عصر حضور) باشد یا بالتیابه و فقیه جامع‌الشرایط (در عصر غیبت) (جعفرپیشه، ۱۳۸۴، ص ۶۲). شیخ طوسی (۱۴۰۰، ص ۱۰۳ و ۳۰۲)، علامه حلی (۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۷۳)، شهید اول (۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۸۶)، فاضل مقداد (۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۱)، محقق کرکی (۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۶۰)، حسن کرکی (جعفریان، ۱۴۲۳، ص ۱۸۸)، خوانساری (جعفریان، ۱۴۲۳، ص ۶۸۱) و امام خمینی (۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۶۸)، از چهره‌هایی هستند که این دیدگاه را ارائه داده‌اند (جعفرپیشه، ۱۳۸۴، ص ۶۲-۶۵).

۱-۳. عمومیت منصب امامت جمعه

سومین گروه از فقهای امامیه، در این که امامت جمعه در عصر حضور، منصب امام عادل و از آن امام معصوم علیه السلام است، تردیدی ندارند؛ اما این که آیا این عنوان، نایب عام و فقهای دوران غیبت را نیز دربرمی‌گیرد یا نه، هر چند دیدگاه صریحی در

این باره ارائه نشده است، برخی گفته‌ها به گونه‌ای بر عام بودن آن دلالت دارد که شامل فقهای عصر غیبت نیز می‌شود. از جمله عبارت: «صَلَاةُ الْجُمُعَةِ فَرَضٌ عَلَيِ الْمُؤْمِنِينَ، حُضُورُهَا مَعَ الْإِمَامِ فِي الْمِصْرِ الَّذِي هُوَ فِيهِ وَحُضُورُهَا مَعَ أَمْرَائِهِ فِي الْأَمْصَارِ وَالْقُرَى الثَّانِيَةِ عَنْهُ» از ابن ابی عقیل (۱۴۱۳، ص ۲۵۲)، و جمله: «وَيَحْضُرُ الْإِمَامُ الْعَادِلُ أَوْ مَنْ نَصَبَهُ أَوْ مَنْ جَزَى مَجْرَاهُ» (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱۱، ص ۱۵۳؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۰۰)، از ابن براج، و تعبیر: «صَلَاةُ الْجُمُعَةِ لَا تَصِحُّ وَلَا تَنْعَقَدُ إِلَّا بِحُضُورِ السُّلْطَانِ الْعَادِلِ أَوْ مَنْ يَأْمُرُهُ هُوَ» (کیدری، ۱۴۱۶، ص ۸۵)، از کیدری، و عبارت: «فِيهَا: مَا يَخْتَصُّهَا، وَهِيَ حُضُورُ إِمَامِ الْأَصْلِ، أَوْ مَنْ نَصَبَهُ (وَنَابَ) عَنْهُ لِأَهْلِيَّتِهِ وَكَمَالِ خِصَالِهِ الْمُعْتَبَرَةِ» (۱۴۱۴، ص ۹۷)، از ابن ابی‌المجد حلبی، و جمله: «حُضُورُ السُّلْطَانِ أَوْ مَنْ نَصَبَهُ لِذَلِكَ» (۱۴۰۸، ص ۱۰۳)، از ابن حمزه طوسی، و نیز عبارات قطب راوندی (۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۳۳)، سیّد بن زهره حلبی (۱۴۱۷، ص ۹۰) و ابن سعید حلّی (۱۴۰۵، ص ۹۴)، همگی ناظر به این دیدگاه عام است.

بنابراین، هرچند دیدگاه فرهیختگان امامیه در گروه سوم صریح نیست، می‌توان قدرمتیقن آن را منصب خاص بودن امامت جمعه دانست و آن را در گروه دوم ادغام کرد (جعفرپیشه، ۱۳۸۴، ص ۷۱). در این صورت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اکثر فقهای امامیه، نماز جمعه در عصر غیبت را واجب تخییری دانسته و امامت آن را منصب خاص معصوم علیه السلام [در زمان حضور] و گماردگان خاص یا عام او (مجتهد جامع‌الشرایط) می‌دانند.

۱-۲. نفی منصب بودن امامت جمعه در عصر غیبت

امامت جمعه در عصر حضور، منصب خاص است؛ براین اساس، امام معصوم علیه السلام یا نایب خاص یا عام او مجاز به اقامه نماز جمعه‌اند. اما در عصر غیبت، که شرط حضور امام علیه السلام فراهم نیست، دیدگاه دوم فقیهان امامیه، شرط حضور امام را الغا نموده و معتقد است که خود مؤمنان، با فراهم شدن سایر شرایط، می‌توانند به اقامه نماز جمعه، بی آنکه کسی به این سمت منصوب شود (به نصب خاص یا عام)، مبادرت کنند. در این قسمت، به چهره‌های شاخص دیدگاه نفی منصب بودن امامت جمعه اشاره می‌شود:

- اطلاق عبارت شیخ صدوق می‌رساند که با فراهم شدن شرایط جمعه برای هفت نفر و نبود خوف و هراس، یکی از آن هفت نفر امامت جمعه را عهده‌دار می‌شود، بی‌آنکه نصبی صورت گرفته باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۸، ص ۱۴۵).
- شیخ مفید، امامت جمعه را از آن کسی می‌داند که واجد شرایط باشد و از شرط خاصی به عنوان منصب بودن آن، اعم از حضور معصوم علیه السلام یا نایب او، خودداری می‌کند (۱۴۱۷، ص ۱۶۳).
- ابی‌الصّلاح حلبی، ضمن پذیرش منصب بودن امامت جمعه، در صورت عدم دسترسی به امام علیه السلام در عصر غیبت یا نایب او، اقامه نماز جمعه توسط امام واجد شرایط را تجویز می‌کند، هر چند نصبی صورت نگرفته باشد (۱۴۰۳، ص ۱۵۱).
- محقق حلّی، با اینکه منصب امامت جمعه در زمان حضور را با استناد به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفای پس از او غیر قابل تردید می‌داند (۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۷۹-۲۸۰)، ولی نسبت به عصر غیبت، بدون آنکه نصب یا اذن امام را مطرح کند، اقامه جمعه را مستحب می‌شمارد (۱۴۰۹، ج ۱، ص ۸۸).
- شهید ثانی، از معدود افرادی است که بی‌پرده از وجوب تعیینی نماز جمعه با نفی منصب بودن امامت جمعه در عصر غیبت دفاع می‌کند و از میان دیدگاه‌های سه‌گانه مطرح، دیدگاه اکثر قریب به اتفاق را می‌پذیرد؛ بدین معنا که با فراهم بودن سایر شرایط، عدم لزوم شرط بودن اذن امام را برمی‌گزیند (جعفریان، ۱۴۲۳، ص ۱۳۷).
- اکثر فقهای اخباری مسلک، چون شیخ حرّ عاملی (۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۰۹-۳۱۰)، مجلسی اول (۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۶۸)، فیض کاشانی (۱۴۰۱، ص ۱۲) و یوسف بحرانی (۱۴۰۵، ص ۹ و ۳۷۸)، دیدگاه وجوب عینی نماز جمعه و منصب نبودن امامت آن در عصر غیبت را ارائه می‌دهند.

۱-۳. جمع‌بندی و تحلیل دیدگاه‌ها

با توجه به دیدگاه‌های طرح شده، باید گفت: اولاً، همه فقیهان اصولی امامیه، به ویژه قدما، نسبت به منصب بودن امامت جمعه در عصر حضور اتفاق نظر دارند و آن را به اجماع، منصب خاص می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۲۶). در دوران غیبت، با اینکه بسیاری از آنان اذن عام را برای فقیه جامع‌الشرایط قائل‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰،

ج ۱، ص ۶۶۳)، اما برخی (چون شهید ثانی) آن را لازم نمی‌دانند (جعفریان، ۱۴۲۳، ص ۱۳۷)، گرچه گفته شده است وی از نظرش در «رسالة صلاة الجمعة» که در نوجوانی آن را نوشته، برگشته و قائل به تخییر شده است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۴).

ثانیاً، دیدگاه فقیهان اخباری مسلک مبنی بر منصب نبودن امامت جمعه، با این ویژگی که صرفاً ظاهر روایات را معیار قرار می‌دهند و قرائن دیگر را نادیده می‌انگارند، نمی‌تواند به اجماع فراگیر فقیهان امامیه خلل وارد کند (جعفرپیشه، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳)؛ زیرا اجماع مورد نظر از زمان قدمای امامیه مشهور بوده، بلکه جزء ضروریات دین محسوب می‌شده است (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱۱، ص ۱۷۹-۱۸۹)، در حالی که دیدگاه نفی منصبیت امامت جمعه در اواخر قرن دهم ظهور پیدا کرد و به زودی (قرن یازدهم) به افول گرایید (جعفرپیشه، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳).

ثالثاً، دیدگاه فقیهان امامیه در عصر غیبت در دو جهت قابل بررسی است: نخست اینکه، علی‌رغم اتفاق نظر بر این که نماز جمعه در عصر حضور واجب عینی و جزء ضروریات دین است، در دوران غیبت مبانی سه‌گانه «عدم مشروعیت»، «وجوب تعیینی» و «وجوب تخییری» نماز جمعه مطرح است. این اختلاف مبنا ناشی از این پرسش است که آیا وجوب تعیینی زمان حضور و به‌پیروآن، منصب بودن امامت جمعه همچنان باقی است، یا اینکه در «مشروعیت» و «وجوب» آن، حضور امام یا منصوب امام به صورت عام شرط لازم است؟ (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۳). اکثر فقیهان معاصر (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۴۷؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۵؛ سبزواری، بی‌تا، ص ۱۵۰؛ اراکی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۵۸؛ تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۷، ص ۱۷۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ص ۱۷۲؛ فیاض، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۸۰) وجوب تعیینی زمان حضور را در این زمان منتفی می‌دانند، ولی بی‌تردید مشروعیت آن را نفی نمی‌کنند؛ و این، معنای «وجوب تخییری» نماز جمعه است. بر همین مبنا، اکثر فقیهان معاصر به وجوب تخییری به اذن عام فتوا داده‌اند (تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۷، ص ۱۷۸؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ص ۷۶). بر این اساس، دیدگاه برخی قدما همانند سلازوابن ادریس مبنی بر عدم جواز جمعه در عصر غیبت - که ناشی از نفی دو جنبه مشروعیت و وجوب تعیینی است - با این راهکار که غیبت، وجوب تعیینی را منتفی می‌سازد نه مشروعیت را، حل می‌شود. همچنین مراد از «جواز» در برخی تعابیر

فقیهان شیعه، جواز به معنای خاص، یعنی تساوی طرفین نماز جمعه نیست، بلکه جواز به معنای اعم، یعنی مطلق «إذن» است (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۷۸)؛ چنان که مقصود از «استحباب» نیز به معنای خاص نیست، بلکه مقصود، أفضل دوفرده و خوب تخییری است (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۷۸-۳۷۹).

دوم اینکه اختلاف فقها در منصب دانستن امامت جمعه یا عدم آن، ناشی از زاویه نگاه آنان به انبوه روایات وارد شده در این باب است (جعفرپیشه، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰-۱۵۱)؛ بدین معنا که دیدگاه وجوب تعیینی نماز جمعه و به تبع آن، منصب نبودن امامت جمعه، حاصل مطلق انگاشتن دلایل لفظی وجوب نماز جمعه و عدم تقیید آن‌ها به حضور امام یا نایب او (در عصر حضور و غیبت) است؛ در حالی که این نگاه از سوی گروهی دیگر از فقها پذیرفته نشده است. دلیل این امر آن است که چنین اطلاقی بر وجوب تعیینی، اولاً تا پیش از شهید ثانی سابقه نداشته و حتی برخی فقها، مانند سلار و ابن ادریس، به عدم جواز نماز جمعه بدون حضور امام فتوا داده‌اند (سلار، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۶). با وجود این تسالم آرا مبنی بر اشتراط حاکم عادل تا پیش از شهید ثانی، نمی‌توان اطلاق وجوب تعیینی و به تبع آن، منصب نبودن امامت جمعه را پذیرفت و از شرط حاکم عادل دست کشید؛ دست کم این تسالم آرا می‌تواند به عنوان قرینه‌ای لُبّی و مقامی بر تقیید اطلاق روایات تلقی شود (جعفرپیشه، ۱۳۸۴، ص ۱۵۲).

ثانیاً، سیره عملی پیروان مکتب اهل البیت علیهم‌السلام در طول تاریخ تا زمان حضور، که نماز جمعه را همانند دیگر فرایض تعیینی، با نگاه وجوب تعیینی تلقی نکرده‌اند، قرینه‌ای دیگر بر عدم اطلاق روایات است؛ زیرا اگر چنین اطلاقی وجود داشت، چرا خود آنان، با وجود نقل روایات مورد نظر، نه به اقامه آن مبادرت کرده‌اند و نه به وجوب تعیینی آن فتوا داده‌اند؟ (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۷-۲۸).

بنابراین، روایات وجوب نماز جمعه، با توجه به قرائن یاد شده از یک سو و ملاحظه لزوم جلوگیری از بی‌نظمی، هرج و مرج و تأمین آرامش اجتماعی از سوی دیگر، نه تنها دلالت بر اطلاق ندارند، بلکه مؤید دیدگاه اکثر فقهای معاصرند که قائل به وجوب تخییری نماز جمعه بوده و امامت آن را منصبی به اذن عام حاکم عادل می‌دانند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴).

۲. منصب بودن امامت جمعه از دیدگاه حنفی‌ها

عالمان حنفی نسبت به جایگاه امامت جمعه، دیدگاهی متمایزتر از دیگر گرایش‌های فقهی اهل سنت دارند. برای تبیین دیدگاه آنان، چند نکته قابل بررسی است:

۲-۱. منصب بودن امامت جمعه

حنفی‌ها امامت جمعه را منصب و مقامی رسمی می‌دانند و بدون حضور حاکم اسلامی (هرچند غیر عادل) یا نایب او و یا اذن عام وی (محمود طهماز، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۱۹)، اقامه نماز جمعه را ناصحیح می‌شمارند. حتی اگر سلطان نماز را با اطرافیان در قصر اقامه کند، ولی درهای قصر به عنوان اذن عام باز باشد، اقامه نماز جمعه جایز است، هرچند مردم او را نبینند (سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴)؛ زیرا یکی از شرایط صحت و انعقاد نماز جمعه نزد آنان، حضور سلطان یا اذن عام اوست (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۷).

منصب بودن امامت جمعه از نگاه این گرایش فقهی، مبتنی بر دلایل زیر است:

- حدیث پیامبر خدا ﷺ: شرط بودن حضور سلطان یا نایب وی اذن او، در سخنان پیامبر خدا ﷺ به صراحت آمده است؛ آنجا که فرمود: کسی که نماز جمعه را از روی سبک شمردن یا انکار آن ترک کند، در حالی که امامی عادل یا ظالم وجود دارد، خداوند پراکندگی آنان را سامان ندهد و در کارشان برکت قرار ندهد: «فَسَنْ تَرَكْهَا [الْجُمُعَةَ] فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدِي، وَلَهُ إِمَامٌ عَادِلٌ أَوْ جَائِرٌ، اسْتِخْفَافًا بِهَا أَوْ جُحُودًا لَهَا، فَلَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ شَمْلَهُ، وَلَا بَارَكَ لَهُ فِي أَمْرِهِ»

(ابن ماجه، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۱۰۸۱). این روایت، به صراحت بر شرطیت حضور سلطان - با اولویت عدالت - یا منصب بودن امامت جمعه دلالت دارد (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۷). در عصر حاضر نیز اذن عام، با اشتهار محلی به نام جمعه (هیئة کبار العلماء، ۱۴۳۲، ج ۲۷، ص ۲۰۳)، یا صدور اجازه برای بنای مسجدی جهت اقامه جمعه، یا اجازه دادن به فردی که او نیز به شخص دیگری اجازه دهد و به همین ترتیب، در تحقق منصب کفایت می‌کند (محمود طهماز، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۱۸).

- **وظیفه محوله والیان؛** اکثر عالمان حنفی با استناد به جمله منسوب به پیامبر خدا ﷺ: «أَرْبَعُ إِلَيَّ الْوَلَاةُ»، امامت جمعه و اقامه آن را یکی از وظایف والیان می دانند (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۷؛ ابن مازة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۳). با این حال، حدیث بودن این عبارت ثابت نشده و در حاشیه «بدائع الصنائع» این عبارت به حسن بن یوسف نسبت داده شده است (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۷؛ سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن مازة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۳).

- **پیشگیری از ایجاد فتنه؛** اهمیت نماز جمعه و اجتماع گسترده مردم در هر هفته، این ضرورت را پدید می آورد که متولی و اداره کننده آن، سلطان یا نایب واجد صلاحیت او باشد؛ زیرا امامت و رهبری مردم یک شهر، اولاً نوعی زمینه برتری جویی بر دیگران ایجاد می کند و این برتری طلبی، انگیزه افرادی را که هوای ریاست و قدرت در سر می پرورانند، تحریک می نماید و در نهایت، هرج و مرج، آشوب و پیامدهای فراوان دیگری را در پی دارد. از این رو، اختیار این امر به والی و حاکم سپرده شده است تا هر کس را که صلاح می داند، برگزیند (سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴). ثانیاً، منصب نبودن امامت جمعه ممکن است به حضور گروه یا قشری بینجامد که با اغراض شخصی به اقامه جمعه اقدام کنند و دیگر طوایف و گرایش ها از آن محروم شوند، یا آنکه در جمعه های نخست حضور آنان پررنگ باشد، اما در جمعه های بعدی آن شور و استمرار از میان برود (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۷؛ سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن مازة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۳).

۲-۲. تجویز امامت غیر عادل

هر چند عدالت امام جمعه، مورد اتفاق همه مسلمانان است، اما در صورت نبود امام جمعه عادل منصوب، حنفی ها اقامه نماز جمعه به امامت امام غیر عادل را - به استناد حدیث پیامبر ﷺ: «وَلَهُ إِمَامٌ عَادِلٌ أَوْ جَائِرٌ» - که در اثر کودتا و غلبه به حاکمیت رسیده باشد، تجویز می کنند (ابن ماجه، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۱۰۸۱). بر این اساس، گروهی از فقیهان حنفی، شرط دوم صحت و انعقاد نماز جمعه را مطلق حضور سلطان، والی یا حاکم - هر چند غیر عادل - می دانند و تأکید می کنند که حتی اگر حاکم از راه کودتا به قدرت رسیده باشد یا زن باشد، صدور دستور اقامه نماز

۱۰۰ آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ش ۱۰

جمعه از سوی او جایز است، نه آن که خود او عهده‌دار اقامه آن شود: «وَالثَّانِي (السُّلْطَان) وَلَوْ مُتَعَلِّبًا أَوْ امْرَأَةً، فَيَجُوزُ أَمْرُهَا بِإِقَامَتِهَا لَا إِقَامَتَهَا» (تمرناشی، ۱۴۳۲، ج ۳، ص ۹؛ ابن عابدین، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۱۵۰؛ ابن مازة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۵).

به عبارت دیگر، نه تنها اقامه نماز جمعه به امامت حاکم یا والی منصوب و مأذون - همانند قاضی شهر - در عبارت فوق مفروغ عنه است، بلکه هرکسی که از راه کودتا و غلبه به قدرت رسیده باشد، اعم از مرد یا زن، می‌تواند خود یا دیگری را مأمور اقامه نماز جمعه کند؛ زیرا هرچند همه مذاهب اسلامی سلطنت زن را جایز نمی‌دانند، اما در صورت دستیابی او به قدرت، صدور دستور اقامه نماز جمعه از سوی وی مجاز شمرده شده است (تمرناشی، ۱۴۳۲، ج ۳، ص ۱۵۰؛ ابن مازة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۵).

۲-۳. خطیب بودن امام جمعه

گذشته از جایگاه امامت امام جمعه، خطیب بودن وی نیز نزد فقیهان حنفی تردیدناپذیر است و به اتفاق نظر، خطابه در نماز جمعه را از آن امام جمعه منصوب می‌دانند (ابن مازة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۴۹؛ رامفوری، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۶۷؛ سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴؛ کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۹؛ هیئة کبار العلماء، ۱۴۳۲، ج ۲۷، ص ۲۰۱). اما در این که اقامه دو خطبه واجب است یا یک خطبه، حنفی‌ها برخلاف دیگران، یک خطبه را - که عرفاً عنوان «خطبه» بر آن صدق کند - کافی می‌دانند (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۹۰).

همچنین اموری چون: تقدّم خطبه بر نماز (هیئة کبار العلماء، ۱۴۳۲، ج ۲۷، ص ۲۰۱؛ کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۹)، اقامه خطبه پس از زوال (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸۹)، و جهربه قرائت نماز (محمود طهماز، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۲۰)، از شرایط صحت خطبه امام جمعه به شمار می‌آوردند. افزون بر این، آرائه دو خطبه با فاصله‌ای اندک (محمود طهماز، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۲۰)، اقامه خطبه در حال ایستاده (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۵۹۲؛ سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴)، حمد و ثنای الهی، شهادت بر وحدانیت خداوند، گواهی بر رسالت پیامبر ﷺ و صلوات بر او، وعظ و تذکر و قرائت سوره‌ای از قرآن در خطبه نخست؛ و نیز حمد و ثنا، صلوات بر رسول خدا، و دعا برای مردان و زنان مؤمن در خطبه دوم، همراه با طهارت و ستر عورت هنگام خطبه (کاسانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۹۰-۵۹۱؛ ابن مازة البخاری،

منصب امامت جمعه در فقه مذاهب فقهی / اسدالله رضایی ۱۰۱

۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۵۱؛ محمود طهماز، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۲۰، از جمله آداب و شرایطی است که برای خطبه ذکر شده است. همچنین اختصار در خطبه (ابن مازة البخاری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۵۳) و قرائت سوره «الْجُمُعَة» در رکعت اول و «الْمُنَافِقُونَ» در رکعت دوم هیئت کبار العلماء، ۱۴۳۲، ج ۲۷، ص ۲۰۷، از امور استحبابی است که امام جماعت مأمور به رعایت آن هاست.

اما در این که آیا خطیب می تواند غیر از امام جماعت جمعه باشد یا نه، برخی مانعی برای آن نمی بینند (صقر، ۱۴۳۲، ج ۳، ص ۴۰۸)، لیکن برخی دیگر آن را مشروط می دانند؛ بدین معنا که اولاً امام جمعه - به هر دلیلی - به شخص دیگری دستور اقامه نماز بدهد. ثانیاً، کسی می تواند امامت نماز جمعه را بر عهده گیرد که واجد شرایط بوده و شاهد خطبه ها باشد. همچنین اگر امام، شخصی را مأمور اقامه جماعت کند و او به سبب جنابت فاقد شرایط لازم باشد، می تواند فرد دیگری را به عنوان جانشین خود تعیین نماید (سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۵-۲۶).

۳. جایگاه امام جمعه از دیدگاه مالکی

مهم ترین تفاوت دیدگاه مالکی ها با دو گرایش پیشین در این است که امامت جمعه را «مَنْصَب» و مقام رسمی نمی دانند و آن را همانند امامت جماعت در نمازهای یومیه به حساب می آورند (مالک بن انس، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۳۲). از این رو، فتوایی: «وَتَصِحُّ الْجُمُعَةُ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ وَلَا تَصِحُّ بِغَيْرِ خُطْبَةٍ وَلَا بِغَيْرِ جَمَاعَةٍ وَلَا بِغَيْرِ إِمَامٍ مِنْ أَوْلَاهَا إِلَى آخِرِهَا» (ابن عاصم النمری، ۱۴۰۰، ص ۲۴۹)، صریح در نفی منصب بودن امامت آن است.

اما با توجه به اهمیت و ویژگی های نماز جمعه (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۱۱۵)، اموری را برای امامت جمعه مورد لحاظ قرار می دهند؛ از جمله وحدت شخصیت خطیب و امام جمعه، مگر در صورت معذور بودن خطیب برای اقامه نماز (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۶؛ مجاجی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۵۹)، مشروط بودن صحت خطبه به زبان عربی (حتی برای غیر عرب) هر چند ترجمه آن برای غیر عرب مجاز است (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۷؛ مجاجی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۵۸)، ایراد خطبه بعد از زوال و قبل از نماز

۱۰۲ آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ش ۱۰

(فاسی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۵۴)، در مسجد (غریانی، ۱۴۲۶، ص ۵۳۷)، ارائه خطبه با لحن رسا و بلند و در حال ایستاده (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۱۲۹؛ فاسی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۵۶) و متصل بودن خطبه به نماز (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۸) از جمله مواردی است که خطیب جمعه موظف به رعایت آن‌هاست.

گذشته از آن، در اصل وجوب اقامه خطبه توسط امام جمعه نزد مالکیه اختلافی نیست (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۱۲۷)، اما در این که امام جمعه موظف به اقامه دو خطبه باشد، فقیهان مالکی دیدگاه هماهنگی ندارند؛ ظاهر عبارت برخی، لزوماً دو خطبه را فرض می‌داند (ابن عاصم النمری، ۱۴۰۰، ص ۲۵۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ عبدی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۵۷)، در حالی که برخی دیگر تصریح به استحباب دو خطبه می‌کنند (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۷؛ علیش، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۶۶).

با این وجود، اموری چون: اقامه جمعه توسط سلطان و حاکم اسلامی (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۳۴)، سلام امام جمعه به حضار هنگام ورود به مسجد (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۵)، اقامه خطبه بر منبر یا جایی مرتفع (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۶)، به مقدار صدق عرفی خطبه (مجاجی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۵۸)، حمد و ثنا، درود بر پیامبر و وعظ و تذکر در خطبه (مجاجی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۵۸)، قرائت مقداری از قرآن (خطاب، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۹۵)، طهارت هنگام خطبه (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۵)، قرائت سوره «الْجُمُعَة» و «الْغَاشِیَة» به ترتیب در رکعت اول و دوم نماز (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۵)، رسایی در خطبه و تکیه بر عصا (غریانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۵)، و استقبال از خطیب (مجاجی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۶۰)، از مندوبات خطیب و امام جمعه به شمار می‌روند.

بنابراین، می‌توان تفاوت اساسی دیدگاه مالکیه و حنفیه را در منصب دانستن یا ندانستن امامت جمعه شمرد و در امور استحبابی مربوط به امام جمعه تا حدودی هماهنگی مشاهده کرد.

۴. موقعیت امام جمعه از دیدگاه شافعی

خود امام شافعی، نه تنها امامت جمعه را «مَنْصَب» نمی‌داند، بلکه امامت هر کسی، حتی عبد و مسافری که مکلف به نماز جمعه نیست، را جایز می‌داند (شافعی،

۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۹۲؛ شربینی، بی تا، ص ۴۸۵). هرچند برخی از فقهای شافعیه بر خلاف امام مذهب، اذن حاکم را مستحب می دانند (دمیاتی، بی تا، ج ۲، ص ۵۸).

دلیل شافعیه بر نفی منصب امامت جمعه، دواستدلال اصلی است:

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام نماز عید را در زمان حصر عثمان بن عفان اقامه کرد، در حالی که او نه سلطان بود و نه امیر (شافعی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۹۲).

۲. حدیثی از ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «صَلُّوا خَلْفَ كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ»، که اطلاق دارد و اقامه جمعه را مشروط به حضور سلطان یا اذن او نمی داند (بیهقی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۹، ح ۷۰۸۰؛ نووی، ۱۴۱۸، ج ۲، ۹۹۲، ح ۳۵۴۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۵۶، ح ۱۴۸۱۵).

بنابراین، منصب امامت جمعه نزد شافعیه منتفی است و استدلال های احناف مبنی بر منصب بودن آن، ناقص تلقی می شود (ماوردی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۶۲). هرچند از دیدگاه امامیه، اقدام علی علیه السلام به اقامه نماز عید در زمان حصر عثمان روشن است و جایگاه او در این زمینه اهمیت دارد، همچنین مسأله عدم تفاوت جمعه با عید نیاز به بررسی دارد.

با این حال، یکی از شروط ششگانه صحت نماز جمعه از دیدگاه شافعیه، اقامه دو خطبه توسط خطیب است، که شامل ارکان پنجگانه: حمد خدا، صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله، توصیه به تقوا (هرسه با الفاظ معین: حمد، صلاة و وصیة)، دعا برای مؤمنان و قرائت مقداری از قرآن است (نووی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۲۹۹-۳۰۰؛ شربینی، بی تا، ص ۴۸۶-۴۸۹؛ زحیلی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۱۲-۵۱۴).

همچنین، شرایطی چون اقامه خطبه بعد از زوال، ایستاده جلوس وسط دو خطبه، طهارت و با صدای رسا و بلند، ستر عورت، عربی بودن خطبه، حضور چهل نفر، و موالات در اجزای خطبه (زحیلی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۱۰-۵۱۱)، رعایت می شود و امام جمعه موظف به اجرای آن هاست.

علاوه بر این، امور مستحبی خطیب مانند اقامه خطبه بر منبر، سلام بر حضار، نشستن هنگام اذان، بلیغ بدون خطبه، اقتصاد در خطبه، پشت به قبله و روبه مردم، جلوس میان دو خطبه به مقدار قرائت سوره اخلاص، عدم گزافه گویی درباره اوصاف سلاطین و ختم خطبه به استغفار (نووی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۵؛ شربینی، بی تا،

۱۰۴ آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ش ۱۰

ص ۴۹۳-۴۹۴؛ زحیلی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۱۴-۵۱۸)، جایگاه و نقش امام جمعه را مهم و ارزشمند ارزیابی می‌کند.

بنابراین، اهمیت نماز جمعه و جایگاه امامت آن با شرایط و ارکان ویژه‌ای که گفته شد به نظر می‌رسد با تجویز امامت فاجر، عبد و مسافر، هماهنگی ندارد، بلکه بیشتر با منصب بودن آن سازگارتر است.

۵. جایگاه امام جمعه از دیدگاه حنبلی‌ها

حنبلی‌ها، ضمن اینکه نماز جمعه را واجب عینی (مقدسی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۳۵؛ ابن قدامه، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۸۸)، مستقل از نماز ظهر (بُهوتی، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۴۸۵)، و اقامه آن را به جماعت فرض می‌دانند، نه تنها امامت آن را منصب نمی‌شمارند، بلکه اذن امام یا حاکم اسلامی را نیز شرط صحت آن نمی‌دانند (مقدسی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۵۴؛ بهوتی، ۱۴۳۳، ص ۴۷۸).

با این حال، حنبلی‌ها حضور در نماز جمعه به امامت حاکم فاسد و حتی خوارج را نیز تجویز می‌کنند و فرمان حاکم در امور جمعه را مطاع می‌دانند (مقدسی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۵۴؛ بهوتی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۳۱۱).

اقامه دو خطبه پیش از نماز جمعه، با هدف تأسی به رسول الله ﷺ (مرداوی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۷۱)، جزء وظایف الزامی امام جمعه است و باید در زمان معین ارائه گردد. هر دو خطبه باید شامل حمد خدا، صلوات بر پیامبر، قرائت بخشی از قرآن، توصیه به تقوا و موعظه باشد (ابن قدامه، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۰؛ ابن قدامه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۲)، با رعایت ترتیب میان اجزای خطبه، جهر به خطبه‌ها، همراه نیت و به زبان نمازگزار (نه الزاماً عربی) اجرا شود (ابن قدامه، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۴۰۰؛ مقدسی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۶۹-۱۷۰)، هر چند طهارت خطیب هنگام اقامه خطبه شرط نیست (مقدسی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۷۱).

امور استحبابی و توصیه شده شامل اقامه خطبه‌ها بر منبر به صورت ایستاده، سلام به نمازگزاران، نشستن کوتاه میان دو خطبه، جهر به قرائت بخشی از قرآن و رعایت سایر آداب است که امام جمعه مأمور به رعایت آن‌ها می‌شود (ابن قدامه، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۴۰۲-۴۰۳؛ بهوتی، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۴۸۸-۴۸۹).

نتیجه‌گیری

موقعیت و جایگاه امامت جمعه، نه تنها میان فقهای امامیه و اهل سنت مورد اختلاف است، بلکه میان گرایش‌های مختلف این دو مکتب، هماهنگی کامل وجود ندارد. در میان فقهای امامیه، اجماعی بر منصب خاص بودن امامت جمعه در عصر حضور وجود دارد، اما در دوران غیبت دیدگاه‌ها متفاوت است: گروهی با استناد به اطلاق برخی روایات، منصب بودن آن را نفی می‌کنند، در حالی که گروه دیگر، به ویژه فقهای معاصر، با تقييد اطلاق روایات ونفی وجوب تعیینی نماز جمعه، بر وجوب تخییری آن و در عین حال بر منصب بودن امامت تأکید دارند.

در میان فقهای اهل سنت، تنها حنفی‌ها امامت جمعه را منصب می‌دانند و اقامه آن را به اذن حاکم اسلامی، حتی اگر غیر عادل باشد، مشروط می‌کنند، در حالی که دیگر گرایش‌های فقهی اهل سنت، مستحب بودن اذن حاکم را انکار نمی‌کنند.

با وجود اختلاف در منصب بودن امامت جمعه، همه فقهای مذاهب پنجگانه، اهمیت خطبه‌ها و اجزای آن را تأیید می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که در مسائل مربوط به شرایط امامت جمعه (به جز عدالت) و ارکان و محتوای خطبه، تا حدود زیادی همسویی میان فقهای مذاهب، به ویژه اهل سنت، برقرار است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی‌المجد، علی بن حسن حلبی. (۱۴۱۴ق). *إشارة السبق إلى معرفة الحق*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن ابی‌عقیل، حسن بن علی عمانی. (۱۴۱۳ق). *حياة ابن أبي عقیل و فقهه*. قم: مرکز معجم فقهی.
۴. ابن ادريس الحلّی، محمد بن منصور. (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی الصدوق. (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*. تهران: نشر جهان.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی الصدوق. (۱۴۱۸ق). *الهدایة فی الأصول والفروع*. قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۷. ابن بزّاج، عبدالعزیز طرابلسی. (۱۴۰۶ق). *المهذّب*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- ١٠٦ آموزه های فقه عبادی، دوره ٦، بهار و تابستان ١٤٠٤، ش ١٥
٨. ابن حمزه الطوسی، محمد بن علی. (١٤٠٨ق). *الوسيلة إلى نيل الفضيلة*. قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
٩. ابن زهره، حمزه بن علی حسینی حلبی. (١٤١٧ق). *غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع*. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
١٠. ابن سعید حلی، یحیی. (١٤٠٥ق). *الجامع للشرائع*. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمية.
١١. ابن عابدین، محمد امین. (١٤٢٥ق). *حاشية رد المختار على الدر المختار شرح تنوير الابصار في فقه مذهب الإمام أبي حنيفة النعمان*. بیروت: دارالفکر.
١٢. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی. (١٤٠٥ق). *الكافي في فقه أهل المدينة المالكي*. تحقیق: محمد محمد الموریتانی. ریاض: مكتبة الرياض الحديثة.
١٣. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی. (١٤٢١ق). *الاستنكار*. تحقیق: سالم محمد عطا، محمد علی معوض. بیروت: دارالکتب العلمية.
١٤. ابن فارس، احمد. (١٣٨٧ش). *ترتيب مقاييس اللغة*. ترتیب و تنقیح: علی العسکری و حیدر المسجدي. قم: مرکز دراسات الحوزة والجامعة.
١٥. ابن قدامه، عبد الرحمن بن ابراهیم. (١٤٢٦ق). *العمدة شرح العمدة*. تحقیق: صلاح بن محمد عویضة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
١٦. ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (بی تا). *المغني*. ویلیه: الشرح الكبير لعبد الرحمن بن محمد بن احمد. بیروت: دارالکتب العربی.
١٧. ابن ماجه، محمد بن یزید. (بی تا). *سنن ابن ماجه*. تحقیق: فؤاد عبد الباقی. بیروت: دارالفکر.
١٨. ابن مازة البخاری، محمود بن صدر الشریعه. (١٤٢٤ق). *المحیط البهرانی لمسائل المسبوط*. اخراج و مقدمه: نعیم أشرف نورا احمد. ریاض: إدارة القرآن والعلوم الإسلامية والمجلس العلمی.
١٩. ابی الصلاح الحلبي، تقی الدین بن نجم الدین. (١٤٠٣ق). *الكافي في الفقه*. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین عليه السلام.
٢٠. اراکی، محمد علی. (١٤١٤ق). *المسائل الواضحه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
٢١. امام خمینی، سید روح الله موسوی. (١٣٦٦ش). *استفتائات جلد اول*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٢٢. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (١٤٠٥ق). *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٢٣. بیهوتی، محمد بن احمد الشهير بالخلوتی. (١٤٣٣ق). *حاشية الخلوتی على منتهی الإیرادات*. تحقیق: سامی بن محمد عبدالله الصقیر. سوریه: مؤسسه النوادر؛ لبنان: شرکت دار النوادر اللبناهیة؛ کویت: شرکت النوادر الكويتیة.
٢٤. بیهقی، احمد بن حسین بن علی. (١٤٣١ق). *السنة الكبرى*. تحقیق: محمد عبد القادر عطا. مکه مکرمه: مكتبة دارالباز.
٢٥. تبریزی، جواد بن علی. (١٤٢٧ق). *صراط النجاة*. قم: دار الصدیقة الطاهرة.
٢٦. تمرتاشی، شمس الدین. (١٤٣٢ق). *رد المختار على الدر المختار حاشية ابن عابدین*. تحقیق: عبد المجید طعمة حلبی. بیروت: دارالمعرفه.

منصب امامت جمعه در فقه مذاهب فقهي / اسدالله رضايي ١٠٧

٢٧. جعفر پيشه فرد، مصطفى. (١٣٨٤ ش). منصب امامت جمعه در حكومت اسلامي. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبري. اول.

٢٨. جعفر بن خضر، كاشف الغطاء. (١٤٢٢ ق). كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء. قم: دفتر تبليغات اسلامي.

٢٩. جعفریان، رسول. (١٤٢٣ ق). دوازده رساله فقهي درباره نماز جمعه. قم: انصاريان.

٣٥. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (١٤٥٩ ق). وسائل الشيعه. تحقيق مؤسسه آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث. قم: مؤسسه آل البيت (عليه السلام)

٣١. حظّاب الرعيّني، محمد بن محمد بن عبد الرحمن. (١٤٢٣ ق). مواهب الجليل لشرح مختصر الخليل. تحقيق: زكريا عميرات. بي جا: دار عالم الكتب.

٣٢. خويي، سيد ابوالقاسم. (١٤١٥ ق). منهاج الصالحين. قم: مدينة العلم.

٣٣. خويي، سيد ابوالقاسم. (١٤١٨ ق). التنقيح في شرح العروة الوثقى. مقرّن: ميرزا علي غروي؛ اشراف: لطفی. قم: بي نا.

٣٤. دميّاتي، ابي بكر بن سيد محمد شطا. (بي تا). حاشية إعانة الطالبين على حل ألفاظ فتح المعين لشرح قرة العين بمهمات الدين. بيروت: دار الفكر.

٣٥. رامفوري، محمد عمر. (١٤٢٩ ق). البنائية في شرح الهداية لأبي محمد محمد بن أحمد العيني. بيروت: دار الفكر.

٣٦. راوندي، قطب الدين سعيد بن عبدالله. (١٤٥٥ ق). فقه القرآن. قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفي.

٣٧. زحيلي، محمد. (١٤٣١ ق). المعتمد في الفقه الشافعي. دمشق: دار القلم.

٣٨. سبزواري، سيد عبدالأعلى. (بي تا). جامع الأحكام الشرعية. قم: مؤسسه المنان.

٣٩. سرخسي، ابوبكر محمد. (١٤٢١ ق). المبسوط. مقدمه: خليل محيي الدين الميس. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

٤٥. سلار، حمزه بن عبدالعزيز ديلمی. (١٤٥٤ ق). المراسم العلوية والأحكام النبوية في الفقه الإمامي. قم: منشورات الحرمین.

٤١. شافعي، محمد بن ادريس. (١٣٩٣ ق). الأم. بيروت: دار المعرفة.

٤٢. شربيني، محمد بن محمد خطيب. (بي تا). معني المحتاج إلي معرفة معاني ألفاظ المنهاج، (تصحيح علي عاشور). بيروت: دار إحياء التراث العربي.

٤٣. شريف المرتضى، علي بن حسين. (١٤٥٥ ق). رسائل الشريف المرتضى. قم: دار القرآن الكريم.

٤٤. شهيد اول، محمد بن مكّي عاملی. (١٤١٧ ق). الدروس الشرعية في فقه الإمامية. تحقيق: مؤسسه النشر الإسلامي.

٤٥. شهيد ثاني، زين الدين بن علي عاملی. (١٤١٥ ق). التروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، (محمشي: كلانتر). قم: داوری.

٤٦. صالحی شامی، محمد بن يوسف. (١٤١٤ ق). سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد، (تحقيق عادل احمد عبدالموجود وعلی محمد معوض). بيروت: دار الكتب العلمية.

٤٧. صقر، عطيه. (١٤٣٢ ق). موسوعة أحسن الكلام في الفتاوى والأحكام. قاهره: مكتبة وهبه.

- ١٠٨ آموزه‌های فقه عبادی، دورهٔ ٦، بهار و تابستان ١٤٠٤، ش ١٥
٤٨. طباطبایی، سید علی. (١٤١٨ق). ریاض المسائل في تحقیق الأحكام بالادلة. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
٤٩. طوسی، محمد بن حسن. (١٤٠٥ق). النهاية في مجرد الفقه والفتاوى (تک جلدی). بیروت: دار الكتاب العربی.
٥٥. طوسی، محمد بن حسن. (١٤٠٧ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٥١. طهرانی، آقابزرگ. (بی تا). الدرر الی تصانیف الشیعه. بیروت: دار الأضواء.
٥٢. عبدری، محمد بن یوسف. (١٣٩٨ق). التاج والإكلیل لمختصر خلیل. بیروت: دار الفکر.
٥٣. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (١٤٢٥ق). تحریر الأحكام الشریعة علی مذهب الإمامیة، (با اشراف جعفر سبحانی؛ تحقیق ابراهیم بهادری). قم: مؤسسه الامام صادق عليه السلام.
٥٤. علیش، محمد. (١٤٠٩ق). منح الجلیل شرح علی مختصر سید خلیل. بیروت: دار الفکر.
٥٥. غریانی، صادق عبدالرحمن. (١٤٢٦ق). مدونة الفقه المالکی وأدلته. بیروت: مؤسسه الريان.
٥٦. فاسی، علی بن القطان. (١٤٢٤ق). الإقناع في مسائل الإجماع، (تحقیق وشرح فاروق حماده). دمشق: دار القلم.
٥٧. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب. (١٤١٧ق). كشف الرموز في شرح مختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٥٨. فاضل لنکرانی، محمد. (١٤٢٢ق). الأحكام الواضحة. قم: مرکز فقهی أئمة الأطهار.
٥٩. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سیوری. (١٤٠٤ق). التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
٦٥. فیاض، محمد اسحاق. (١٤١٩ق). منهاج الصالحین. قم: مکتبه آیه الله العظمی الشیخ محمد اسحاق الفیاض.
٦١. فیض کاشانی، محمد محسن. (١٤٥١ق). الشهاب الثاقب في وجوب صلاة الجمعة العینی. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
٦٢. فیومی، احمد بن محمد بن علی. (١٤٢٥ق). المصباح المنیر في غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: دار الهجرة.
٦٣. کاسانی، ابی بکر بن سعود حنفی. (١٤٣١ق). بدائع الصنائع في ترتیب الشرائع، (با مقدمه عبدالرزاق حلبی؛ تحقیق محمد عدنان بن یاسین درویش). بیروت: دار احياء التراث العربی.
٦٤. کیدری، قطب الدین محمد بن حسین. (١٤١٦ق). إصباح الشيعة بمصباح الشريعة. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
٦٥. مالک بن انس بن مالک بن عامر الأصبیحی. (بی تا). المدونة الكبرى، (تحقیق زکریا عمیرات). بیروت: دارالکتب العلمیة.
٦٦. ماوردی، علی بن محمد بن حبیب. (١٤٢٤ق). الحاوی الكبير، (تحقیق و اخراج احادیث: محمود مطرحی). بیروت: دار الفکر.
٦٧. متقی هندی، علی بن حسام الدین. (١٤٥١ق). كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، (تحقیق بکری حیانی و صفوة السقا). بیروت: مؤسسه الرساله.

منصب امامت جمعه در فقه مذاهب فقهي / اسدالله رضايي ١٠٩

٦٨. مجاجي، محمد سكمال. (١٤٣١ق). المهذب من الفقه المالكي وأدلته. الجزائر: دار الوعي؛ دمشق: دار القلم.

٦٩. مجلسي، محمد تقى. (١٤٠٦ق). روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه. قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانبور.

٧٠. مجلسي، محمد باقر. (١٤٠٣ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بيروت: دار إحياء التراث العربي.

٧١. محقق حلي، جعفر بن حسن. (١٤٠٨ق). شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام. قم: اسماعيليان.

٧٢. محقق كركي، علي بن حسين. (١٤٠٩ق). رسائل المحقق الكركي. قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفي ودفتر نشر اسلامي.

٧٣. محقق كركي، علي بن حسين. (١٤١٤ق). جامع المقاصد في شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت للإحياء التراث.

٧٤. محمود طهماز، عبد الحميد. (١٤٣٥ق). الفقه الحنفي في ثوبه الجديد. دمشق: دار القلم.

٧٥. مرداوي، علي بن سليمان دمشقي. (١٤١٩ق). الإنصاف في معرفة الراجح مع الخلاف على مذهب الإمام أحمد بن حنبل. بيروت: دار إحياء التراث العربي.

٧٦. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبري. (١٤١٣ق). المتقنه. قم: كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد.

٧٧. مقدسي، محمد بن محمد مفلح. (١٤٢٤ق). كتاب الفروع، (همراه با تصحيح الفروع وحاشيه ابن قندش). بيروت: مؤسسه الرساله.

٧٨. منتظري، حسين علي. (١٤١٦ق). البدر الزاهر في صلاة الجمعة والمسافر، (گزارش درس: آقا حسين طباطبائي بروجردي). قم: مكتبة آية الله العظمى المنتظري.

٧٩. نجفي، محمد حسن. (١٩٨١م). جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، (تحقيق وتعليق و اشرف عباس قوچاني). بيروت: دار إحياء التراث العربي.

٨٠. نراقي، احمد بن محمد مهدي. (١٤٢٩ق). مستند الشيعة في أحكام الشريعة. بيروت: مؤسسه آل البيت للإحياء التراث.

٨١. نووي، محيي الدين يحيى بن شرف. (١٤١٨ق). خلاصة الأحكام في مهمات السنن وقواعد الإسلام، (تحقيق حسين اسماعيل الجمل). بيروت: مؤسسه الرساله.

٨٢. نووي، محيي الدين يحيى بن شرف. (١٤٢٧ق). روضة الطالبين وعمدة المفتين، (تحقيق خليل بن مأمون شيخا). بيروت: دار المعرفة.

٨٣. هاشمي رفسنجاني، اكبر. (١٣٨٣ش). «أبعاد فقهي، سياسي واجتماعي نماز جمعه». مجله حكومت اسلامي، ٢٩، ص ٤٧-٥٨.

٨٤. هيئت كبار العلماء الإسلام. (١٤٣٢ق). الموسوعة الفقهيه. بلوچستان پاکستان: حاجي مولوي محمد هاشم نقشبندي؛ مكتبة علوم إسلامية.

